

دائرة المعارف جهان زوین اسلام

جلد ۱

آب

سرپرستار متن انگلیسی
جان ل. اسپوزیتو

پرویشگاه علوم انسانی و معارف اسلامی
ترجمه و تحقیق و تملیق
زیر نظر
حسن طارمی، محمد دشتی، مهدی دشتی
پرتال جامع علوم انسانی



نشر کتاب مرجع



نشر کنگره

تهران ۱۳۸۸



فہرست مصنفکاران این مجلہ

الف- معادل یابی، تنظیم و توضیح مدخل ہا
نگار نادری

ب- ترجمہ مقالات

یوسف اباذری	محمد فاطمیان
مہدی افشار	مہدی فاطمیان
محمد باقری	مراد فرہادپور
ولی اللہ برزگر کلشمی	سید مجید قافلہ باشی
سعیدہ پیشداد	حمیدہ کوکب
محمد تقی زادہ	سیدعلی مرتضویان
صمد چینی فروشان	سپیدہ معتمدی
علی اصغر خندان	مجتبی منشی زادہ
ہلن خوش چین گل	افسانہ مظفر
شہناز رازپوش	سید حسین میرحلیلی
محمد رفیعی مہرآبادی	نگار نادری
محمدعلی صالحی	محمد حواد ناطق پور
حسن طارمی راد	سید عباس ہاشمی
ہدایت علوی تبار	محمد منصور ہاشمی
علی فاطمیان	لیلا ہوشنگی

ج- مقابله ترجمہ و ویرایش

سپیدہ معتمدی	نگار نادری
مجتبی منشی زادہ	

د- ویرایش علمی، تحقیقی و تعلیمی (ہیئت ویراستاری)

حسن طارمی راد
محمد دشتی
مہدی دشتی

ه- ترجمہ کتابشناسی

مستورہ خضرائی

و- گزینش و آمادہ سازی تصاویر

معصومہ میرسعیدی

ز- ضبط اعلام

کبری محمدی تکیہ

ح- امور هنری

مسعود نجابتی (طراح گرافیک)	علی لہافی (بازبینی فنی و اجرای هنری)
----------------------------	--------------------------------------

ط- آمادہ سازی فنی

سہیلا اسدی باہر (صفحہ آرا)	اکرم رضایی (نمونہ خوان و ویراستار فنی)
مہناز سلخ اسماعیلی (نمونہ خوان)	اعظم رمضانپور سبحانی (حروف نگار)
فریرز رسولی (پیگیری حروف نگاری)	

ی- امور اجرایی

سید مصطفی سیفی	وحید وکیل
----------------	-----------

انگلیسی و اسلامی، قانون	دیویدگیل مارتین	تکمله	بازرگان، مهدی	انگلیسی و اسلامی، قانون	انگلیسی و اسلامی، قانون
آنور ابراهیم	محمد رفیعی مهرآبادی	بازیها و ورزش	مهدی افشار	آنور ابراهیم	آنور ابراهیم
آنور پاشا	فضل اللہ جمیل	پاسمہ چیان	محمّد دشتی	آنور پاشا	آنور پاشا
اوزال، تورگوت	فیروز احمد	باغها و مناظر	ارلین ہیلجلین حنفی	اوزال، تورگوت	اوزال، تورگوت
اوگاندا	سعید پیشداد	اشکال ستن	مهدی افشار	اوگاندا	اوگاندا
اہل بیت	ہوارڈ ا. رید	اشکال باغهای امروزی	جان اس. شوپرلین	اہل بیت	اہل بیت
اہل حل و عقد	سعید پیشداد	بالکان، دولتها	سیدہ معتمدی	اہل حل و عقد	اہل حل و عقد
اہل کتاب	عمری ایچ. کوکولہ	بانک توسعه اسلامی	میر چایلڈ راگلز	اہل کتاب	اہل کتاب
ایالات متحدہ آمریکا	سعید پیشداد	بانک و بانکداری	مهدی افشار	ایالات متحدہ آمریکا	ایالات متحدہ آمریکا
ایران	ماریلین الین ہگلند	تکمله	سیدہ معتمدی	ایران	ایران
ایمان	ہیأت ویرامتاری	بحرین - کشورهای خلیج فارس	میراخور	ایمان	ایمان
باب	وائل حلاق	بخارا، خیانات - خیانات بخارا	میراخور	باب	باب
بایبگری	سعید پیشداد	بدعت	میراخور	بایبگری	بایبگری
بازار	رونالد ل. نینر	برادران جمہوری خواہ	میراخور	بازار	بازار
	ولی اللہ بزرگ کلیمہ	بروزی	میراخور		
	ایون یازیک حلداد، چین				
	اسمیت				
	نگار نادری				
	شاہرخ اخوی				
	افسانہ منفرد				
	مستصر میر				
	ہدایت علوی تبار				
	دنیس مک اوئن				
	حمیدہ کوکب				
	دنیس مک اوئن				
	حمیدہ کوکب				
	مایکل م. جی. فیشر				
	سید حسین میرجلیلی				

منابع:

1. Iqbal, Munawar. *Distributive Justice and Need Fulfillment in an Islamic Economy*. Leicester 1988.
 <عدالت فراگیر و تأمین نیاز در یک اقتصاد اسلامی>؛
 یادگامی اسلامی درباره فقر و مشکلات توسعه.
2. Moenai S. J. *The Islamic Development Bank A Study of Islamic Cooperation*. London 1990.
 <بانک توسعه اسلامی: بررسی همکاری اسلامی>؛ گزارشی
 جامع، هرچند غیرانتقادی، از اولین دهه بانک.
3. Wilson, Rodney. *Banking and Finance in the Arab Middle East*. London 1983.
 <بانکداری و سرمایه گذاری در خاورمیانه عرب>؛ در این کتاب،
 بانک توسعه اسلامی در فصل چهارم مورد بررسی قرار گرفته
 و در فصل هفتم این بانک با آژانسهای توسعه عربی مقایسه
 شده است.
4. Wilson, Rodney. "The Islamic Development Bank's Role as an Aid Agency for Moslem Countries". *Journal of International Development* 1.4 (October 1989): 444-466.
 <نقش بانک توسعه اسلامی به عنوان یک آژانس امدادی
 برای کشورهای مسلمان>؛ این اثر، فعالیتهای بانک را
 برمی شمارد.
5. Uzair, Mohammad. "Central Banking Operations in an Interest-Free Banking System". In *Monetary and Fiscal Economics of Islam*, edited by Mohammad Ariff. Jeddah, 1982, p. 211-236.
 <عملیات بانکداری مرکزی در یک سیستم بانکداری بدون
 بهره>؛ شامل: نقش گسترده‌ای که بانک می‌تواند در ارتباط با
 بانکهای تجارت اسلامی داشته باشد.

آرادی و ویسون /

بانکها و بانکداری، بانکداری نوین در جهان اسلام، ابتدا در اواسط قرن نوزدهم ایجاد شد. البته فعالیتهای واسطه‌گری مالی در جهان اسلام، جدید نبود؛ در اقتصاد پیچیده بازرگانی مسلمانان، مدت مدیدی از

مبنای اضافه قیمت مرابحه استفاده شده؛ سود حاصله بر طبق مضاربه تقسیم می‌شود.

در ۱۳۶۵ ش / ۱۹۸۶ م جهت تأسیس و صندوق واحد سرمایه‌گذاری^۱ مراقاتت شد و بعد از ۳ سال صطالیه و مشورت با حقوق‌دانان اسلامی، صندوق یاد شده فعالیت خود را آغاز کرد. بانک توسعه اسلامی به‌عنوان مقرب (مدیر) برای ویسوه فراهم شده به وسیله بانکهای تجاری اسلامی، در کشورهای اسلامی و بازارهای بین‌المللی سهام، سرمایه‌گذاری می‌نماید. سهام می‌تواند در لندن، نیویورک و توکیو خریداری شود، ولی سرمایه‌گذاری باید در شرکتهایی صورت گیرد که فعالیتشان برای مسلمانان قابل قبول (حلال) باشد. به‌عنوان مثال شرکتهای الکترونیک و ارتباطات، قابل قبول‌اند. کارخانه آبجو سازی یا سایر شرکتهایی که به تولید و فروش نوشابه‌های الکلی می‌پردازند، به وضوح قابل قبول نیستند.

گامهای ابتکاری دیگری در حال طرح‌ریزی است. بانک توسعه اسلامی امکان‌پذیری طرح بیمه اعتبار-صادراتی جهت تشویق تجارت میان کشورهای اسلامی و ایجاد اتحادیه اسلامی تسویه چکها^۲ را بررسی نموده است. علاقه وافری در جمهوریهای اتحاد جماهیر شوروی سابق که اکثریت جمعیتشان مسلمان است، جهت تجارت با سایر کشورهای اسلامی وجود دارد. انتظار می‌رود برخی از این کشورها سهام‌داران بانک توسعه اسلامی شوند و صلاحیت لازم برای دریافت کمک مالی اسلامی را پیدا کنند بانک توسعه اسلامی زهدی کاملاً تثبیت شده^۳ است که در مسافله بانکداری بین‌المللی محترم شمرده می‌شود. بانک توسعه اسلامی دستاوردهای بسیاری داشته است و احتمالاً نقش آن، هم از نظر پرورش جغرافیایی و هم از لحاظ انواع تسهیلات مالی اسلامی که به اعضا اعطا می‌کند در سالهای آتی افزایش می‌یابد.

[س- اقتصاد؛ بانکها و بانکداری (مقاله نهادهای اقتصادی)]

1. Unit Investment Fund 2. Multilateral Islamic Clearing Union 3. Well-established 4. Rodney Wilson
 5. BANKS AND BANKING

منگه به عنوان وسیله مبادله استفاده می شد و صرافان و قرض دهندگان پول به فعالیت شغلی خود را در اغلب مراکز شهری انجام می دادند. صرافان خصوصاً در شهرهای حجاز، مانند مکه و مدینه، فعال بودند و نیازهای زائران در تبدیل پولها را تأمین می کردند، با این استدلال که اسلام هیچگونه مخالفتی با معامله پولها و مبادله فلزات، گرانها با یکدیگر نتموده است. در هر حال تحریم ربا در قرآن به معنای آن است که تردید زیادی در باره بانکداری تجاری مرسوم به شکلی که در اروپا توسعه یافت، وجود داشته است.

نقده بانکداری مستعمراتی. تمامی بانکهای بازرگانی اولیه در کشورهای اسلامی متعلق به اروپاییان بود، بانک شاهنشاهی عثمانی، سرمایه گذاری مشترک انگلستان - فرانسه و بانک شاهنشاهی ایران متعلق به انگلستان بود که مدیریت آن را نیز به عهده داشت. اغلب مؤسسات واسطه گری مالی در کشور عثمانی در اختیار یهودیان یا مسیحیان یرنانی بود نه مسلمانان، مسلمانان، بازرگانان زیرکی بودند. در واقع [حضرت] محمد، پیامبر اسلام، یک بازرگان بوده است. هرچند در میانی دینی، بی میلی نسبت به گرفتن شدن در جمع کردن مال و وام دادن آن وجود دارد. بازرگانان مسلمان بر مبنای پرداخت معوق، اعتبار غیر نقدی اعطا می کردند، نه در ازای دریافت بهره. تسهیلات مالی از دارایی شخصی و خانواده تأمین می شد نه از پس اندازهای بیگانگان که با وعده اعطای بهره، جذب شده باشد.

بانکهای شاهنشاهی در خدمت دولت و تجارت امپراتوریهای اروپایی بودند نه در خدمت جامعه بازرگان مسلمان محلی یا طبقه مالکان ثروتمند.

مدیریت بسدی حکومت عثمانی کاربزرگی بود و بانک شاهنشاهی عثمانی^۲ از طرف سلطان در ترتیب دادن انتشار اوراق قرضه در لندن و پاریس، اقدام می کرد. بانک شاهنشاهی ایران^۳ رابطه نزدیکی با شرکت نفت انگلیس - ایران^۴ داشت که بعداً به شرکت نفت انگلستان^۵ تبدیل شد. بانک ملی مصر^۶ مؤسسه ای که به طور کامل متعلق به انگلیسیها بود، عمدتاً به تأمین مالی صادرات پنبه می پرداخت، که صحت نساجی لانکاشایر^۷ انگلستان بدان وابسته بود. این تجارت در کنترل بازرگانان یونان^۸ و شرق مدیترانه^۹ بود نه مسلمانان مصری. در مسایلا، بانک هنگ کنگ^{۱۰} و شانگهای^{۱۱} در تأمین مالی تجارت کاتوچو فعال بود، ولی حتی کارگران مزارع را مهاجران تشکیل می دادند نه مسلمانان بومی.

بانکهای بازرگانی متعلق به مسلمانان: از دهه ۱۳۳۰ ق/ ۱۹۲۰ بود که گروههایی از بازرگانان مسلمان دریافتند که واسطه گری مالی مستقی ارزش کمی در اقتصادهای نوین دارد. برای معاملات، در مقیاس بزرگ، خصوصاً با خارجیان، اعتبارهای استادی^{۱۲}، ضمانتنامهها و پذیرفتن برات اجتناب ناپذیر بود. چنین تسهیلاتی به طور قابل توجهی هزینه های معاملات را کاهش می داد و نتیجه اش می توانست انجام معاملاتی باشد که در غیر این صورت، از دست می رفتند. قرض دهندگان پول و صرافان قادر نبودند اینگونه تسهیلات را فراهم نمایند. در همین زمان، مسلمانانی که مشتریان بالقوه بانکهای متعلق به اروپاییان بودند، در گرفتن اعتبار از این بانکها اغلب با مشکلاتی مواجه بودند. تنها پاسخ برای بازرگانان مسلمان آن بود که خودشان

۱. در تاریخ زندگی حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم)، تصریح شده است که ایشان یک بار همراه همری خود به یک سفر تجاری رفت و بعدها نیز به دلیل امانتداری و صداقت، سرپرست کاروان تجاری خدیجه... که بعدها با او ازدواج کرد... شد. اما باید به نظر می رسد که با این همه از اشتغال بتوان چنان وصفی را برای پیامبر اسلام به کار برد و آن را از عوامل رواج تجارت در میان مسلمانان دانست. همچنانکه آن حضرت، در آغاز جوانی به شبانی نیز اشتغال داشت، اما نمی توان به آن دلیل رواج شبانی و دامداری را در میان مسلمانان سراغ گرفت.

2. Imperial Ottoman Bank. 3. Imperial Bank of Persia 4. Anglo-Iranian oil company
5. British Petroleum. (B. P) 6. National Bank of Egypt 7. Lancashire 8. Greek 9. Levantine
10. Hong Kong 11. Shanghai

۱۲. در اعتبار استادی، بنا به تقاضای وارد کننده کالا، بانک تمهید می دهد که برانهای صادرکنندگان کالا را بپردازد.

۱۳۷۰/ق/۱۹۵۰ م آن بود که بانکهای مستعمراتی و بانکهای خصوصی مسلمانان، به مالکیت دولت درآمدند. در پاکستان نظام بانکداری ده سال بعد ملی شد و در اغلب کشورهای اسلامی، دولت می‌بایست نقش مهمی در نظام مالی ایفا می‌کرد. مداخله دولت ناشی از ایدئولوژی اسلامی نبود. در واقع شریعت اسلام به موضوعات مربوط به ارث در زمینه مالکیت خصوصی توجه دارد. بلکه اقدامات ملی شدن متعکس کننده اتخاذ شیوه برنامه‌ریزی شده در توسعه اقتصادی و تلاشی جهت بنیاد نهادن صنعت سنگین به پیروی از الگوی شوروی سابق بود.

بانکهای ملی شده عمدتاً صیقلی را به عنوان تسهیلات، به صنایع دولتی جدید اعطا کردند، تخصیص منابع بر اساس اولویتهای تنظیم شده در طرحهای توسعه تعیین گردید. سهمیه برای هر بخش صنعتی و هستی یکایک کارخانجات تعیین شده این اقدام بدان معنا بود که بندرت انعطاف‌پذیری جهت تسهیل شرایط و مقتضیات یا در واقع فرصتهای جدید وجود داشته. در عمل وجود موجود غالباً کمتر از مقداری بود که پیش‌بینی شده بود، این به معنای کاهشهای سرجمع در سقفهای وام‌دهی بود نه کاهشهای گزینشی که در عمل ثابت شده بود که حصول توافق در مورد آن، با مشکل مواجه است.

یک مسئله آن بود که بانکهای ملی شده در جذب سپرده‌های جدید یا شکست مواجه شدند. شهروندان عادی ظاهراً تحت تأثیر این واقعیت قرار نگرفتند که سپرده‌های آنها دارای امنیت بیشتری است، زیرا بعید بود که بانکهای دولتی کار نکنند. به سپرده‌های پس‌انداز، بهره پرداخت می‌شد ولی نرخهای بهره پایین بودند و بندرت می‌توانستند نرخ تورم را جبران نمایند. فشار مالی حکمفرما بود، به این معنی که پس‌اندازها توسط نظام بانکداری رسمی تحت کنترل در نیامده بودند. به جای آن اندوختن طلا به مقدار زیاد و تا اندازه کمتری نقره، ادامه یافت. صرافان و قرض‌دهندگان پول به فعالیت خود ادامه دادند و نیازهایی که توسط بانکهای ملی شده آشکارا

بانکهای تأسیس نمایند. همین فشارها بود که نتیجه‌اش تأسیس بانک مصر در کشور مصر، بانک عرب، یک نهاد فلسطینی، بانک حبیب^۳ در هند، انگلیس و سایر بانکهای تجاری مشابه در بسیاری از کشورهای جامعه‌های اسلامی بود.

ملک عبدالنیز، که معتقد بود تنها کافران، مشتریان بانکهای غربی‌اند و فعالیت بانکهای غربی هیچگاه از لحاظ اسلامی قابل قبول نیست، به بانکها اجازه ورود به عربستان سعودی را نداد. با توسعه عربستان و کشف نفت، این کشور برای صدور مجوز برای فعالیت بانکهای خارجی در فشار شدیدی قرار گرفت و حتی بانک مسقط درخواست صدور مجوز بانکداری در عربستان نمود، زیرا مدیران بانک یاد شده گمان می‌کردند به اعتبار مسلمان بودنشان ممکن است سلطان را تحت تأثیر قرار دهند. اجازه تأسیس شعبه بانک مصر در عربستان رد شده، ولی هنگامی که دو صورتبندی مورد احترام عموم، خانوادهاای بن محفوظ و گناکی درخواست مجوز فعالیت بانکداری نمودند، شاه پس از مشورتهایی که با برخی بازرگانان مهم مجله نمود با درخواست آنها موافقت کرد.

مجوز بانکداری منوط به انجام عملیات بانکداری، طبق عقیده اکثریت مسلمانان دیندار بود. این بدان معنا بود که باید از دریافت و پرداخت بهره اجتناب شود این نهاد یا عنوان بانک، بازرگانی ملی^۴ تأسیس گردید، برای خدماتی که ارائه می‌نمود، کارمزد دریافت می‌کرد و به حسابهای جاری که برای مشتریان خود افتتاح می‌کرد هیچ بهره‌ای پرداخت نمی‌نمود. باید از قبول در باره شیوه‌های اعتباری توافق می‌شد و قراردادهای منعقد میان بانک و مشتریان به روشنی طبق قواعد توصیف شده در قرآن در باره دادوستد، عادلانه، تنظیم می‌گردید. مقررات فقهی در بانکداری عربستان سعودی به کار برده شد، به همانگونه که در تمامی فعالیتهای بازرگانی حاکمیت داشت.

ملی شدن و ملی‌گرایی مسلمانان، پیامد و خروج انقلابهای سیاسی در مصر، سوریه و عراق در دهه

1. Bank Misr of Egypt 2. Arab Bank 3. Habib Bank 4. National Commercial Bank

بر آورده نمی‌شود، توسط صرافان و قرض‌دهندگان پول، فراهم می‌گردد.

یافتن شواهد مربوط به شکست بانکهای ملی شده به سهولت امکان پذیر است. به عنوان مثال ارزش سپرده‌های بانکی در سوریه و عراق کمتر از اردن بود، در حالی که اردن کشور بسیار کوچکتری از سوریه و عراق بود و در آن اقدامات مالی شدن به‌وقوع نیوسته بود. نسبت داراییهای بانک، به تولید ناخالص داخلی در مصر، با سکون مواجهه بود و در پاکستان کاهش یافت که نشان‌دهنده کم‌عمق بودن [بازار] مالی بوده نه تعمیم مالی که با تحقق توسعه می‌توانست صورت انتظار باشد. ماهیت بوروکراتیک فعالیت بانکداری ملی شده، بسیاری از مشتریان بالقوه بانک را منصرف می‌نماید. هیچگونه تمایلی برای گسترش دامنه خدمات مالی بانک و هیچگونه فشار رقابتی جهت نوآوری از طریق به‌کارگیری تکنولوژی نوین در بانکهای ملی شده وجود نداشت.

در میان کشورهای اسلامی، دولتهای خلیج فارس، مالزی و اندونزی جالب توجه بودند که از بانکهای دارای مالکیت خصوصی به شکلی که در انتظار عمومی به شرکتهای دارای سهام مشترک مطرح می‌شدند، مستمع گردیده‌اند. با وجود این گرایش به اینکه بیشتر سرمایه از آن مسلمانان معطی باشد وجود دارد. به‌دنبال استقلال کسبیت شعبه‌های بانک انگلیسی خسار میانه^۱ به سرمایه‌گذاران بومی فروخته شد و بانک یادشده به بانک کویت و خاورمیانه^۲ تبدیل گردید. در عربستان سعودی ۶۰٪ از عملیات «سیتی بانک»^۳ به عزم ارائه شد و نهاد جدیدی به نام بانک امریکایی سعودی^۴ تأسیس گردید. تزریق سرمایه عربستان سعودی به بانکهایی که پیش از این متعلق به خارجیان بوده آنها را قادر ساخت تا فعالیت‌های خود را گسترش داده و محیط مالی رقابتیتری ایجاد نمایند.

جایگزین مالی اسلامی^۵ نارضایتی شدیدی نسبت به بانکداری بازرگانی مستقر در اغلب کشورهای اسلامی، در میان بخشی از اندیشمندان و پژوهشگران

مسلمان و در میان توده مردمی که نسبت به موضوع گیری قسرآن دربارهٔ ربا آگاه بودند، وجود داشت. دریافت تنها کارمزد و اجرت به‌جای بهره توسط بسیاری از مسلمانان به عنوان یک راه‌حیل رضایت‌بخش قلمداد نمی‌گردد و در بسیاری از کشورهای اسلامی اخذ ربا کاملاً آشکار بود. برخی چنین فکر می‌کردند که تنها ربا بهره غیرشرعی بوده و اگر ایداف از تحریم ربا حمایت از وام‌گیرندگان خصوصی تنگدستی باشد که دچار گرفتاری بوده‌اند، در آن صورت مطالبه بهره از وام‌گیرندگان سوداگر از نظر اسلامی مسئله‌ای نیست. در امارات متحده عربی یک دادگاه، بهره مرکب را غیرقانونی اعلام کرده ولی بهره ساده را مجاز شمرد.

در ترکیه که تورم، سالیان متمادی مسئله‌ای بود، این استدلال مطرح شد که بهره اسمی جهت جبران افزایش قیمت‌ها، توجیه‌پذیر است، مادامی که بار بهره واقعی به عهده وام‌گیرندگان گذاشته نشود. در هر حال این گونه مباحث نتوانست اندیشمندان بنیادگرا را متقاعد کند. اینان نه تنها به ممنوع بودن بهره اعتقاد دارند بلکه به دنبال به‌کار بردن تأمین مالی مشارکتی به عنوان جایگزین اسلامی واقعی می‌باشند. آنان بر این باورند که به دست آوردن سود از قبیل تسجیح شده در ازای کسب کردن صرف توجیه‌پذیر نیست. در هر حال سود به‌عنوان نتیجه سهیم شدن در مخاطره [سرمایه‌گذاری] نه تنها مشروع، بلکه کاملاً مطلوب بود.

سهام‌بری در سود^۶ اصل سهم‌بری در سود که در اسلام کاملاً مرسوم است، به عنوان «مضاربه» شناخته شده است. سپرده‌گذاران می‌توانند سهمی از سود بانک یا سود حاصل از سرمایه‌گذاری مشخص را به‌دست آورند. سپرده‌های سهام‌بری در سود معمولاً به‌عنوان حسابهای سرمایه‌گذاری توصیف می‌شوند که سپرده‌گذار موظف است که بعد از یک، حداقل دوره زمانی که توسط بانک اعلام شده - معمولاً از یک ماه تا یک سال - از حساب خود برداشت کند. نرخ سود توسط بانک در پایان سال مالی بعد از رسیدگی به حسابها، اعلام می‌شود و

1. British Bank of the Middle East 2. Bank of Kuwait and the Middle East 3. Citi Bank
4. Saudi American Bank 5. Financial Alternative 6. profit-sharing

مخاطره‌ای که بانک طی دوره‌ای که کالای مورد مبادله در مسالکیت او بوده، بازدهی به دست آورد. بانک اسلامی، برخلاف بانکهای تجاری سنتی معمولاً خود کالا را تحویل نمی‌گیرد، بلکه مسئولیت مالکیت کالا را به عهده دارد.

بانکهای اسلامی همچنین تسهیلات اعتباری درازمدت از طریق اجاره، خصوصاً برای تهیه تجهیزات سرمایه‌ای اعطا می‌نمایند. در برخی موارد، تسهیلات اعتباری درازمدت ممکن است از طریق اجاره به شرط تملیک یا فروش اقساطی اعطا شود. در این موارد مشتری سرانجام مالکیت تجهیزات را به دست می‌آورد. تأمین مالی درازمدت مشارکتی نیز توسط بانک اسلامی اعطا می‌شود، در این صورت بانک برطبق اصل مضاربه، در فعالیت اقتصادی با گیرنده تسهیلات شریک می‌شود. ممکن است بانک تمامی وجوه لازم برای سرمایه‌گذاری را فراهم کند و مثل صاحب مال (تأمین مالی کننده) باشد و مضارب (مدیر فعال) مهارتهای بازرگانی و مدیریت را تأمین نماید.

بر اساس مقررات، از طریق سهم شدن در سهام به صورت مشارکت، می‌تواند برای یک شرکت موجود تأمین مالی را فراهم کند. از سوی دیگر یک شرکت جدید می‌تواند به عنوان وسیله تأمین مالی تأسیس و بعد از دوره توافق شده، برچیده شود.

گسترش بانکداری اسلامی، نخستین نهادهای بانکداری نوین اسلامی، اتحادیه‌های اعتباری کشاورزان^۱ در پاکستان است که در دهه ۱۳۳۰ ش/ ۱۹۵۰ م و بانک پس‌انداز «میت‌غمر»^۲ در مصر بود که در ۱۳۴۲ ش/ ۱۹۶۳ م به صورت یک نهاد کوچک روستایی تأسیس گردید. بانک پس‌انداز «میت‌غمر» به صورت الگو به تقلید از بانکهای پس‌انداز محلی آلمان^۳ درست شد که بر اندیشه‌های «احمد النجار»^۴ بنیانگذار بانک «میت‌غمر» اثر گذاشته بود. عناصر بانفوذ در حزب سیاسی ناصر، «اتحادیه اجتماعی عرب»^۵ و برخی از مدیران ارشد در بانکهای ملی شده کشور از ابتکار احمد النجار و ماهیت

سهام سود سپرده‌گذاران برای سپرده‌های بلندمدت تر، بیشتر است.

اگر بانک زیان ببیند، هیچ سهم سودی به سپرده‌گذاران پرداخت نمی‌شود، هرچند پرداخت سود به سپرده‌گذاران عموماً قبل از پرداخت سود سهام به سهام‌داران انجام می‌شود. برخلاف سهام بانک، ارزش سپرده معمولاً تضمین می‌شود. قیمت سهام بانک به شرایط بازار بورس اوراق بهادار بستگی دارد. بنابراین مخاطره کمتری برای دارندگان حسابهای سرمایه‌گذاری در مقایسه با سرمایه‌گذاران در سهام بانک وجود دارد، ولی سهام‌داران بانک دارای حق رأی در مجمع عمومی سالانه بانک‌اند، در حالی که سپرده‌گذاران از چنین حقی برخوردار نمی‌باشند.

بانکهای اسلامی همچنین تسهیلات حساب جاری برای موازنه‌های معاملاتی ارائه می‌نمایند که می‌تواند در هر زمانی با صدور چک یا توسط ماشین خودکار تحویلدار برداشت شود. هیچگونه سودی به دارندگان حساب جاری اعطا نمی‌شود، ولی در برخی موارد، کارتهای اعتباری بین‌المللی مانند ویزا^۶ به سپرده‌گذاران داده می‌شود، هرچند این کارتها بر مبنای برداشت مستقیم است نه به عنوان کارتهای اعتباری. معمولاً تنها دارندگان حساب جاری می‌توانند درخواست اعتبار نمایند.

تسهیلات اعتباری، استفاده از وجوه بانک منعکس کننده تقاضای مشتریان بانک و محیطی است که مؤسسات در آن عمل می‌کنند. هرچند در کشورهای اسلامی بیشتر سرمایه مورد نیاز برای تأمین مالی فعالیت تجاری است، تعجب‌آور است که بانکهای اسلامی در این زمینه خیلی فعال نیستند. تأمین مالی تجارت اسلامی بر مبنای مباحه انجام می‌شود که به موجب آن بانک کالا را از طرف مشتری خریداری نموده و سپس آن را دوباره به مشتری با اضافه قیمت به فروش می‌رساند. بانک آن را با اضافه قیمت می‌فروشد تا هم هزینه‌های خود را تأمین نماید و هم در ازای پذیرش

1. longer-notice accounts 2. visa 3. Farmer Credit Unions 4. Mit Ghamr Savings Bank
5. German Local Savings Bank 6. Ahmad Al-Najjar 7. Arab Social Union

اسلامی در عربستان سعودی را نمود و پس از تأسیس، خدمات مالی اسلامی در سطح بین‌المللی از طریق یک شرکت سرمایه‌گذاری وابسته به بانک، مستقر در لندن ارائه داد. شاهزاده محمد، «دارالامان الاسلامی»^{۱۱} را به عنوان یک مؤسسه تأمین مالی بین‌المللی در «ژنو»^{۱۲} تأسیس نمود.

بانکهای اسلامی جدید در اغلب کشورهای اسلامی مجبور به رقابت با بانکهای سنتی مبتنی بر ربا بودند و به نظر می‌رسید عملکرد آنها بویژه در جذب سپرده‌ها موفقیت‌آمیز بوده است. مؤسسه تأمین مالی کویت بالغ بر یک پنجم کل سپرده‌ها در کویت را به خود اختصاص داده و بانک اسلامی اردن در جذب سپرده‌ها از مردم بسیار فقیری که قبلاً از بانک استفاده نمی‌کردند، موفق بوده است. بانکهای جدید به توسعه مالی مساعدت نموده‌اند. زیرا بانکهای جدید غالباً مکمل بانکهای موجودند نه جایگزین آنها. بانکداری اسلامی اکنون به «سانزوی» و «اندونزی» گسترش یافته است و «بانک اسلامی مانزی»^{۱۳} بسیاری از سرمایه‌گذاریهای صنعتی تهیه شده را تأمین مالی کرده است، از جمله سرمایه‌گذاریهایی که توسط چینی‌زبانهای غیرمسلمان در این کشور انجام شده است. به نظر می‌رسد «بانک معاملات اندونزی»^{۱۴} دارای توان زیادی در کشور در حال صنعتی شدن با ۱۶۰ میلیون مسلمان است.

برخی بانکهای بازرگانی شروع به ارائه تسهیلات بانکداری اسلامی نموده‌اند. از جمله بانکهای دولتی در «مصر» و «بانک تجاری ملی»^{۱۵} در عربستان سعودی. حتی برخی بانکهای اروپایی خدمات مالی اسلامی ارائه می‌کنند، از جمله بانک «کلینورث بنسون»^{۱۶} در لندن و «شرکت سهامی بانکداری سوئیس»^{۱۷}. ابزارهای مالی اسلامی به صورت روز به زیادی در سطح بین‌المللی، حتی در کشورهای غیراسلامی پذیرفته می‌شود و اصول

اسلامی بانک «سیت غمر»^{۱۸} ناخوشنود بودند. در ۱۳۵۰ ش/ ۱۹۷۱ م بانک «سیت غمر» در یک نهاد جدید دولتی یعنی «بانک اجتماعی ناصر» ادغام شد که مسئولیت جمع‌آوری زکات را به عهده داشت. افراد بسیاری، این نهاد جدید را بیشتر مؤسسه‌ای دولتی می‌دانستند تا یک بانک.

گسترش عمده بانکداری اسلامی، در دهه ۱۳۵۰ ش/ ۱۹۷۰ م با تأسیس «بانک اسلامی دبی»^{۱۹} در ۱۳۵۴ ش/ ۱۹۷۵ م، «بانکهای اسلامی فیصل»^{۲۰} در مصر و سودان در ۱۳۵۴ ش/ ۱۹۷۷ م، «مؤسسه تأمین مالی کویت»^{۲۱} در همان ساله و «بانک اسلامی اردن»^{۲۲} در ۱۳۵۷ ش/ ۱۹۷۸ م و «بانک اسلامی بحرین»^{۲۳} در ۱۳۵۸ ش/ ۱۹۷۹ م صورت گرفت. انگیزه تأسیس بانکهای اسلامی یاد شده ناشی از به خاطر اوج رونق درآمد نفت در خلیج فارس و قدرت اقتصادی در حال تزیاید دولتهای مسلمان معاهده کار در خلیج فارس و همچنین در مخالفت با نهضت عمدتاً سکولار ملی‌گرای عرب، بود. در هر حال ناخوشنودی رو به تزییدی نسبت به سوسیالیسم عرب خصوصاً در میان جوانان به چشم می‌خورد و این احساس نیز وجود داشت که باید تأکید بیشتری بر ارزشهای اسلامی در تمامی زمینه‌ها از جمله اقتصادی و مالی بشود.

صاحبان بازرگانی خلیج فارس از نهضت جدید بانکداری اسلامی به شدت حمایت کردند. «شاهزاده محمد بن فیصل»^{۲۴} از عربستان سعودی نقش اصلی در ایجاد بانکهای اسلامی فیصل داشت. گروه «شیخ صالح کامل دله»^{۲۵} که مقر آنها در جدّه بود به بانک اسلامی اردن کمک کردند و «بانکهای اسلامی البرکة»^{۲۶} را تأمین مالی نمودند که در نتیجه فعالیت آن از ترکیه تا تونس و حتی تا لندن گسترش یافت. گروه «صراصی والواجیحی»^{۲۷} درخواست مجوز تأسیس بانکداری

- | | | | |
|------------------------------|-------------------------------|-------------------------------|------------------------------|
| 1. Nasser Social Bank | 2. Dubai Islamic Bank | 3. Fayzal Islamic Banks | 4. Kuwait Finance House |
| 5. Jordan Islamic Bank | 6. Bahrain Islamic Bank | 7. Prince Muhammad ibn fayzal | |
| 8. Shaykh saïûn kamûl Dallâh | 9. Al-Barakah Islamic Banks | 10. Al-Rajihî | 11. Dar-al-mal al-Islamî |
| 12. Geneva | 13. Bank Islam Malaysia | 14. Bank Muamalat Indonesia | 15. National commercial Bank |
| 16. Kleinworth Benson | 17. Swiss Banking corporation | | |

اسلامی آن عموماً درک می‌گردند.

در ایران زیند از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ ش)]] و پاکستان، کل نظام مالی در دهه ۱۳۶۰ ش/۱۹۸۰ م، اسلامی شد و تمامی بانکها در این دو کشور طبق موازین اسلامی فعالیت می‌کنند. در این دو کشور نه تنها ربا ممنوع است بلکه تمامی سپرده‌ها بر مبنای مشارکت پذیرفته می‌شود و تأمین مالی به‌طور کامل از طریق ابراهای اسلامی صورت می‌گیرد. برای ارزیابی میزان موفقیت تجربه دو کشور یاد شده در اسلامی کردن فعالیت‌های بانکداری خیلی زود است، زیرا اقتصاد ایران در جنگ [نه‌حمله] طولانی با عراق، شدیداً خسارت دیده است و پاکستان دچار بی‌ثباتی سیاسی و بحرانهای قومی بوده است.

در هر حال روشن است که بانکداری اسلامی پدیده‌ای صرفاً گذرا نیست. امور اخلاقی به‌طور کامل یا سردآوری مسازگار است و بانکهای اسلامی قادر به تجهیز پس‌اندازهای دوازدهمدهت پراسامی روابط مطلوبتری از نهادهای غیردینی بوده‌اند. بسیاری از مؤسسات توسعه، طرفدار جایگزینی عدالت به‌جای تأمین مالی از راه بدهی‌اند. تأمین مالی مشارکتی بویژه برای مشاغل کوچک مناسب است و کمبود سرمایه اولیه در بسیاری از کشورهای اسلامی وجود دارد. تأمین عالی اسلامی می‌تواند این نیازها را برآورده سازد و جایگزین قابل اجرا برای وام‌دهی سنتی فراهم نماید. البته مسائل اولیه ناگزیر به وقوع می‌پیوندد، ولی تجربه بانکداری اسلامی تاکنون تولیدبخش بوده است. بهترین انگیزه همان انگیزه اخلاقی است نه انگیزه صرفاً مالی و همین امر مسبب شده که به واسطه گری مالی اسلامی از سوی بسیاری از خواهران مشتاقی آن خوشامد گفته شود.

[[تیز س اقتصاد (مقاله نهادهای اقتصادی)؛ بهره]]

منابع:

1. Beauge, Gilbert. *Les Capiteux de l'Islam*. Paris 1990.
2. Chapra, Mohammed Umar. *Towards a just Monetary System*. Leicester 1985.

>به سوی یک نظام پولی عادلانه<؛ بحثی دربارهٔ پول، بانکداری و سیاست پولی در پرتو تعالیم اسلامی.

3. El- Ashter, Ahmad. *The Islamic Business Enterprise*. London 1987. *The Egyptian experience, including the calculation of financial ratios.*

>شرکت تجاری اسلامی<؛ تجربه‌ای از مصر، از جمله محاسبه نسبت‌های مالی.

4. Iqbal, Zubair, and Abbas Mirakhor. *Islamic Banking*. Washington, D. C. 1987.

>بانکداری اسلامی<؛ اولین شرح دقیق تجارب ایران و پاکستان در زمینه بانکداری.

5. Kazarian Elias *Finance and Economic Development: Islamic Banking in Egypt*. Lund, 1991. Well - written treatment from an economic development perspective.

>توسعه اقتصادی و مالی: بانکداری اسلامی در مصر<؛ نوشته‌ای ارزنده از دیدگاه توسعه اقتصادی.

6. Mallat, Chibli, ed. *Islamic Law and Finance*. London 1988.

>حقوق و مالیه اسلامی<؛ این اثر بزرگ در باره ترکیب و مانزی از جداییت خاصی برخوردار است.

7. Meyer, Ann Elizabeth. "Islamic Banking and Credit Policies in the Sadat Era: The Social Origins of Islamic Banking in Egypt". *Arab Law Quarterly* (London) 11 (November 1985): 32-50.

>بسیانکداری اسلامی و مسیامتهای اعتباری در دوران مسادات: ریشه‌های اجتماعی بانکداری اسلامی در مصر<؛ مقاله‌ای که بر مبنای تحقیق و مصاحبه با سرمایه‌داران بخش خصوصی نگاشته شده است.

8. Presley, John, ed. *Directory of Islamic Financial Institutions*. London 1988.

>فهرست مؤسسات مالی اسلامی<؛ یک کتاب مرجع مفید.

9. Shirazi, Habib. *Islamic Banking*. London, 1990.

>بانکداری اسلامی<؛ جنبه‌های حقوقی شیوه‌های مالی اسلامی در ایران.

10. Siddiqi, Muhammad Nejatullah. *Islamic Economic Thinking*. Leicester 1981.

>تفکر اقتصادی مسلمانان<؛ بررسی آثار نوشته شده در دوران معاصر دربارهٔ این موضوع.

اسلامی آن عموماً درک می‌گردند.

در ایران زیند از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ ش)]] و پاکستان، کل نظام مالی در دهه ۱۳۶۰ ش/۱۹۸۰ م، اسلامی شد و تمامی بانکها در این دو کشور طبق موازین اسلامی فعالیت می‌کنند. در این دو کشور نه تنها ربا ممنوع است بلکه تمامی سپرده‌ها بر مبنای مشارکت پذیرفته می‌شود و تأمین مالی به‌طور کامل از طریق ابراهای اسلامی صورت می‌گیرد. برای ارزیابی میزان موفقیت تجربه دو کشور یاد شده در اسلامی کردن فعالیت‌های بانکداری خیلی زود است، زیرا اقتصاد ایران در جنگ [نه‌حمله] طولانی با عراق، شدیداً خسارت دیده است و پاکستان دچار بی‌ثباتی سیاسی و بحرانهای قومی بوده است.

در هر حال روشن است که بانکداری اسلامی پدیده‌ای صرفاً گذرا نیست. امور اخلاقی به‌طور کامل یا سردآوری مسازگار است و بانکهای اسلامی قادر به تجهیز پس‌اندازهای دوازدهمدهت پراسامی روابط مطلوبتری از نهادهای غیردینی بوده‌اند. بسیاری از مؤسسات توسعه، طرفدار جایگزینی عدالت به‌جای تأمین مالی از راه بدهی‌اند. تأمین مالی مشارکتی بویژه برای مشاغل کوچک مناسب است و کمبود سرمایه اولیه در بسیاری از کشورهای اسلامی وجود دارد. تأمین عالی اسلامی می‌تواند این نیازها را برآورده سازد و جایگزین قابل اجرا برای وام‌دهی سنتی فراهم نماید. البته مسائل اولیه ناگزیر به وقوع می‌پیوندد، ولی تجربه بانکداری اسلامی تاکنون تولیدبخش بوده است. بهترین انگیزه همان انگیزه اخلاقی است نه انگیزه صرفاً مالی و همین امر مسبب شده که به واسطه گری مالی اسلامی از سوی بسیاری از خواهران مشتاقی آن خوشامد گفته شود.

[[تیز س اقتصاد (مقاله نهادهای اقتصادی)؛ بهره]]

منابع:

1. Beauge, Gilbert. *Les Capiteux de l'Islam*. Paris 1990.
2. Chapra, Mohammed Umar. *Towards a just Monetary System*. Leicester 1985.

به بهره^۲ است یا تنزیل^۱، ظاهراً اکنون اجماع نظری میان محققان اسلامی وجود دارد که اصطلاح ربا شامل تمامی شکلهای بهره است و میان نرخهای اعمی و واقعی بهره هیچگونه تمایزی وجود ندارد. منابع اساسی اسلام از جمله قرآن و سنت تبیین تفصیلی از تحریم بهره ارائه نمی‌دهند جز آنکه به‌طور مسلم تأکید می‌کند که دریافت بهره کاری غیر عاقلانه، و به همین جهت ممنوع است. در هر حال اقتصاددانان معاصر مسلمان، با تمسک^۵ به پیامدهای زیان‌آور مشهور برای وجود بهره در جامعه‌های نوین یا با تأکید بر اینکه بهره، استثمار^۶ است یا با این استدلال که نظریه نوین اقتصادی توجیهی برای وجود یا نیاز به بهره ارائه نمی‌دهد، منطقی‌های متعددی برای تحریم بهره ارائه نمودند. افزون بر آنکه بهره یا مفهوم اسلامی حقوق مالکیت نامساوی‌گرا است (چمبرز، ۱۹۸۲؛ صدیقی، ۱۹۸۳؛ احمدی، ۱۹۸۴؛ خان و میرآخور، ۱۹۸۹).

۱- توسعه بانکهای اسلامی. هر چند به نظر می‌رسد محدودیت استفاده از بهره یک محدودیت الزام‌آور^۷ باشد، ولی در واقع بانکهای اسلامی و نهادهای مالی، خصوصاً از اواسط دهه ۱۳۵۰ ش/م ۱۹۷۰ به سرعت رشد کردند. در حال حاضر حدود ۴۵ کشور که بیشتر جهان اسلام را شامل می‌شود، دارای نوعی از نهاد مالی اسلامی هستند. گسترش بانکداری اسلامی اساساً به دو شیوه شکل گرفته است:

الف) تلاش جهت تأسیس نهادهای مالی اسلامی در کنار بانکهای متداول. در اینگونه تلاشها، انواع نهادهایی که تأسیس شده‌اند شامل: بانکهای اسلامی که غالباً در کشورهای اسلامی تأسیس شده‌اند، و شرکتهای سرمایه‌گذاری اسلامی و شرکتهای اسلامی دارندۀ سهام سایر شرکتهای که در برخی از کشورهای اسلامی، ولی غالباً در کشورهای غیراسلامی، فعالیت می‌کنند. در هر دو

11. Siddiqi, Muhammad, Nejatullah. *Partnership and Profit Sharing in Islamic Law*, Leicester 1985.

«شراکت و تقسیم سود در قانون اسلام» شامل قراردادها و تمهیدات تجاری.

12. Wilson, Rodney. *Islamic Business: Theory and Practice*. London 1985.

«تجارت اسلامی: نظریه و عمل».

13. Wilson, Rodney. *Islamic Financial Markets*. London 1990.

«بازارهای سرمایه‌گذاری اسلامی» تجارت بانکداری اسلامی در کویت، ایران، اردن، پاکستان و ترکیه.

14. Wilson, Rodney. "Islamic Financial Instruments". *Arab Law Quarterly* (London) 6.2 (April 1991): 205-214.

«ابزارهای مالی اسلامی»؛ اوراق قرضه اسلامی، اوراق سپرده و سهام.

رأدتی زیلسون^۸ /

تکمیل (بانکداری اسلامی): در اسلام ممنوعیت معطلی پرداخت و دریافت ربا وجود دارد. این تحریم است که بانکداری اسلامی را به‌طور اساسی از نظام بانکداری مرسوم متفاوت می‌سازد. از آنجا که راه استفاده از نرخ بهره در معاملات مالی مسترد شده است، بانکهای اسلامی می‌توانند تنها بر مبنای مقررات سهم‌بری در سود یا سایر روشهای تأمین مالی مجاز بر اساس قانون اسلامی به فعالیت بپردازند.

از لحاظ اصطلاح فقهی، «ربا» اشاره به اضافه نمودن مبلغی به اصل وام بر اساس مدت و مبلغ وام است. از دیدگاه حقوقی ربا به معنای پول اضافی است که در معاملات پول یا پول سیاه‌کالای اضافی در عملیات مبادله کالا به کالا... دریافت می‌گردد. در حالی که، از ایل بحثی وجود داشت مبنی بر اینکه آیا «ربا» اشاره

1. Rodney Wilson

۲. این تکمله ترجمه مقاله بانکداری اسلامی (Islamic banking) از «فرهنگ جدید پول و مالی» بالگریو است. *The New Palgrave, Dictionary of Money and Finance*, edited by Peter Newman, Murray Milgate, John Eatwell, vol.2 p. 531-533, The Macmillan Press limited, 1992.

3. interest 4. usury 5. appealing 6. exploitative 7. binding constraint 8. holding company